

دانلود جزوه خلاصه حقوق مدنی 2

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

بدهیم چون سکه‌هایی 10 تومانی مثل همد. یا مثلاً وسایل نقلیه از یک مدل.

"مثلاً حیوانات جزو اموال مثلی هستند که اگر شخصی ده خروار گندم قرض گرفت می تواند ده خروار گندم به عنوان مثل پس دهد یا اگر ده هزار تومان پول قرض کرد میتواند آن را پس دهد یعنی پول جزو اموال مثلی است. از جمله مصادیق اموال مثلی " غلات ، حیوانات ، پول و کالاهایی که امروزه در کارخانه ها به صورت سری تولید میشود" هستند . تعیین اموال مثلی با ذکر " وزن ، قد ، اندازه" صورت می گیرد . مثلاً پارچه به وسیله متر ، گندم یا غلات به وسیله وزن ، تخم مرغ به وسیله عدد . این است که برخی از حقوقدانان اسلامی در تعریف مال مثلی گفته اند " و اما المثلی فهو المکیل والموزون " این ضابطه برای تمییز و تشخیص اموال مثلی و قیمی در قوانین مدنی جهان نیز به چشم می خورد .

مصادیق مال مثلی:

- (1) **عددیات:** یعنی عددی معامله میشوند.
- (2) **مکیلات:** یعنی پیمانهای.
- (3) **موزونات:** یعنی وزنی معامله میشوند. مثل تخم مرغ.
- (4) **موزونات متقارب:** مثل گردو و تخم مرغ.
- (5) **ذرعیات:** هر ذر عمقدار مشخصی از متر است و ذرعی فروخته میشود.

کتاب چاپی - مال مثلی هستند.

کتاب خطی - مال قیمی هستند.

در میان اموال مثلی پول از یک موضع و وضع خاصی برخوردار است چون پول ، خواه سکه و خواه اسکناس نمونه بارز اموال مثلی است و مثلی بودن پول به یک تعبیر جنبه ی مطلق دارد . توضیح اینکه اسکناس ها و سکه های رایج در یک کشور این ابزار ها ی پرداخت ، علیرغم تنوع مادی، نسبت به هم مثلی هستند مثلاً اگر از کسی یک اسکناس هزار تومانی قرض بگیریم و در موعد پرداخت دو اسکناس 500 تومانی بدهیم برائت ذمه حاصل کرده ایم یا پنج تا اسکناس 200 تومانی یا ده اسکناس صد تومانی ، باز هم ذمه ادا شده و مثل قرض را پرداخته ایم چون همه ی پول ها علیرغم تنوع آنها مثل یکدیگرند و همچنین سکه نیز همین طور است . نکته ی دیگر در ممتاز بودن پول در میان اموال مثلی این است که از آنجا که همه ی اموال قابل ارزیابی به پول هستند پول قابلیت ان را دارد که جایگزین همه ی آنها در اجرا ی تعهدات شوند . مثلاً در مورد غصب مقنن اعلام می کند که غاصب باید عین مال مغضوب را رد کند . اگر تلف شده باشد، مثلاً را ، اگر مثلی است و الا اگر قیمی است قیمت آن را . و این قیمت به وسیله ی پول پرداخت میشود پس پول جایگزین همه ی اموال مثلی می تواند شود .

مال قیمی :

" مال قیمی بر عکس مالی است که مال دیگری نتواند جایگزین آن شود . خواه به واسطه ی آن که اشیاء و نظایر آن در بازار یافت نمی گردد و خواه به دلیل آن که خود مال مورد نظر باشد ."

مالی که در عرف شخص آن منظور باشد و نتوان مال دیگری را به جای آن قرار داد، قیمی است پس اگر مال قیمی تلف شود به ناچار عقد باطل میشود . چون در صورت تلف مال باید قیمتش پرداخته شود چون به آن قیمی گفته میشود . مال قیمی ، مالی است که در بازار مثل آن یافت نمیشود ولی اگر یافت هم شود با هم تفاوت در قیمت دارند. مثل حیوانات و اموال عددی متفاوت مثل خربزه.

پس اگر مالی تخریب شد و دعوی نزد دادگاه مطرح شد اگر مثلی بود - دادگاه ملزم به ادای مثل میکند. اتومبیل صفر کیلومتر از یک مدل و اگر قیمی بود - دادگاه ملزم میکند به پرداخت قیمتش. اتومبیل دسته دوم یا گوسفند.

پس مثلاً اگر هزار کیلو گندم را به ده بسته 100 کیلویی تقسیم کنیم اینجا مال مثلی است چرا که قیمت اجزای آن با هم مساوی است و موزون متقارب میباشد..

ولی گوسفند با گوسفند از نظر ران و مغز و... فرق دارند. پس گوسفند موزون متفاوت و قیمی است.

پس - موزون متفاوت - مالی قیمی است.

و موزون متقارب - مال مثلی است.

نکته دیگر:

مال مثلی میتواند به هر سه قسم عین معین، کلی در معین و کلی در ذمه معامله شود اما مال قیمی را منحصراً میتوان در عین معین فروخت و اگر در دو مورد دیگر معامله شود عقد بیع باطل است، زیرا در این دو فرض مبیع مجهول میماند.

مثلاً مثلاً: گندم (مال مثلی) موجود نشده را میتوان معامله کرد ولی گوسفند (مال قیمی) موجود نشده را نمی توان.

ضابطه ی این تقسیم بندی:

در تعریف قانون مدنی در ماده ی 950 که از مال مثلی و قیمی کرده است چنین بر می آید که ضابطه ی تمییز و تشخیص اموال مثلی از قیمی علی الاصول جنبه ی نوعی دارد یعنی ناشی از طبیعت اشیا می باشد و در نهایت امر بستگی به داوری عرف دارد .

همچنین باید توجه داشت که برای تعیین مثلی یا قیمی بودن مال، همیشه از یک ضابطه نمیتوان استفاده کرد و باید دین ناشی از قرارداد را از ضمان قهری (الزامات خارج از قرارداد) جدا کرد:.

بدین ترتیب اراده ی طرفین کافی برای آن نیست که دو چیز مانند دو تابلوی نقاشی یا دو خانه که طبیعت آنها با مثلی بودن وفق نمی کند مثلی گردند ، چون برای اینکه یک شی بتواند مثلی تلقی گردد می باید قابلیت ارزیابی بر حسب عدد و وزن و اندازه را واجد باشد . و این طبیعت اشیا است نه اراده ی طرفین که چنین قابلیت را به اشیا می بخشد . ولی این طور هم نیست که تنها اراده ی طرفین کافی باشد و رد آن هیچ تاثیری نداشته باشد . زیرا ممکن است که :

1- در تعهدات بنا به تراضی طرفین میتوان مال مثلی را در روابط خود مال قیمی قرار داد. مثلاً اگر کسی تعهد کند که کیسه معینی گندم به دیگری بدهد نمیتواند به بهانه مثلی بودن گندم کیسه دیگری به او بدهد. در واقع در عقدهای که دو نفر با هم منعقد می کنند مال موضوع قرارداد را با آنکه مثلی است قیمی تلقی کنند . مثلاً یک کتاب مجموعه قوانین جزایی یک مال مثلی است ولی اگر دوستان آن را قرض گرفت یا به عبارت دیگر آن را عاریه کرد باید عین آن را مسترد دارد و او نمیتواند یک جلد دیگر به جای آن مسترد کند. پس یک مال مثلی در عقد عاریه قیمی تلقی گشت .